

بخش اول

- تفسیر آخرین آیه سوره

- جمع بندی و تاکید بر واژگان کلیدی سوره: انفاق، عزیز، حکیم، غفور، رحیم، فسق، مستخلفین، قرض، ولوج، عروج، یان

- جهات هدایتی سوره : مضامین توحیدی و تسبیحی ۶ آیه اول

- بحث انفاق همراه با ایمان

- تکالیف مومنین و اهل کتاب

- تکرار و تاکید عبارت کثیر منهم فاسقون

- نهادینه کردن و فرهنگ سازی بحث قسط و عدل در جامعه اسلامی

- آیات شاخص سوره : آیه ۲۵ - آیه ۱۶ و ۲۸

- فرق آیه غرر و آیه شاخص (آیه ۲۵ آیه غرر سوره)

- مهمترین ریشه واژگان سوره : نفق، فسق، خشع، قسو، نور، لعب، لهو

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ"

تفسیر آخرین آیه سوره

جلسه هفتاد و نهم المیزان با خاتمه سوره حدید آیه آخر سوره رو در خدمت تون هستم و بعدش جمع بندی از سوره و مباحث دیگه. تا آخر آیه ۲۸ را گفتیم و یه آیه را نگه داشتیم که امروز با جمع بندی خدمتون بگیم.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

آیه ۲۹ "لِّئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)"

لأن لا بوده که لأن لا يعلم؛ "لا يعلم" لا نافیہ هست به معنای اهل کتاب ندانند یا این طور نپندارند "أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ" که هیچ راهی به فضل خدا ندارند. "وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ" و همه فضل و بخشش به دست خداست. "يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ"

این آیه یک نکته ترجمه ای دارد که باید با دقت ترجمه کرد. این بدان جهت بود ، این بدان جهت بود "لِّئَلَّا يَعْلَمَ" پس برمیگردد به آیه قبل ، که خطاب می کند: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ" مفهوم لِّئَلَّا برمیگردد به آیه ۲۸ . این بدان جهت بود یا میتونیم حتی کل سوره رو جمع بکنیم، این کل سوره، مباحثی که تو کل سوره مطرح شد بدان جهت بود که اهل کتاب نپندارند، یعنی اینطوری فکر نکنند؛ "لَا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ" که راهی به فضل خدا ندارند؛ یعنی مؤمنین مسلمان، مؤمنین به اسلام، فضل خدا شامل حال مؤمنین به اسلام نمی شود یعنی فقط شامل اهل کتاب میشود. فکر نکنند که خداوند فضلش را فقط برای اهل کتاب گذاشته و مؤمنین هیچ راهی ندارند (این ترجمه را باید دقت بکنیم) و فضل دست خداست، نه این که شما(اهل کتاب) فضل خدا را تقسیم بندی کنید و خداوند این فضل را به هر کس بخواهد عطا میکند و خداوند دارای فضل عظیم است.

پس انگار که یه پس زمینه این جور داریم که اهل کتاب فضل رو برای خودشون اختصاص داده بودند. یعنی فکر میکردند خداوند نعمات خود و عنایات خود را فقط شامل مسیحیت و یهودیت میکنه که الان به شکل یک فرقه هستند نه به شکل یک شریعت، چون اگر بخواهیم آنها را به شکل شریعت بگوییم باید بگیم شریعت حضرت موسی و شریعت حضرت عیسی. پس اگر می گیم یهودیت و مسیحیت حرف از فرقه است یعنی بعدا ساخته شده، چیزی نبوده که از اول به این شکل باشد. اگر کسی دقت بکند و بخواهد درست اینها را اسم ببرد باید بگوید: شریعت حضرت موسی، یا پیروان شریعت حضرت موسی و پیروان شریعت حضرت عیسی. این کلمه، یعنی پیروان شریعت حضرت موسی و حضرت عیسی با مسیحیان و یهودیان متفاوت، مسیحیان پیرو مسیحیت هستند که یک

فرقه است، یهودیان پیرو یهودیت‌اند که باز یک فرقه است یعنی ما نمیتوانیم بگوییم یهودیان پیروان شریعت حضرت موسی هستند چون خیلی فاصله دارند. یا مسیحیان پیرو شریعت حضرت عیسی هستند چون واقعا زاویه دارند با اصل موضوع. (این یه دقتی می‌خواد).

علامه میگویند که از سیاق بر می‌آید که یک التفاتی از مؤمنین به شخص رسول خدا اتفاق افتاده، التفات گفتیم یک صنعت تغییر تکلم است یعنی در یک جمله، در یک کلام خطاب عوض میشود؛ خطیب و کسی که سخنرانی میکند جهت کلامش را عوض میکند، به این میگوییم صنعت التفات. علامه میگویند: التفات از مؤمنین در آیه قبل "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" به حضرت پیغمبر برگشته چون آخر سوره داره جمع میکنه مطلب رو. روی سخن متوجه پیغمبر است. علم اینجا به معنی اعتقاد است (نکته خیلی مهم) "يَعْلَمُ" به معنای اعتقاد داشتن. فکر نکنند، اعتقاد اینجوری نداشته باشند؛ مثل زَعَمَ هست. اگر ما ایشان را با این مرتبه ای که از ایمان دارند یعنی "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" امر به ایمان کردیم و وعده بهشون دادیم که دو تا کفل از رحمت "يُؤْتِكُمْ كَفْلَيْنِ" بهشون میدیم، نور هم بهشون میدیم، مغفرت عطا میکنیم همه این عطایا یعنی نور و مغفرت و دو کفل از رحمت به مؤمنین به خاطر این هست که اهل کتاب فکر نکنند ما فقط این رو به اونها دادیم، یعنی نور و مغفرت و رحمت؛ اونها در زمان خودشون مشمول این عطایا شدند، مؤمنان به پیغمبر اسلام هم در این زمان مشمول این عطایا شدند: نور، مغفرت، رحمت.

"وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ" عطف به همان "لَيْلًا يَعْلَمُ" هست اگر ما این وعده ها را دادیم که اینجوری بشه، که مسلمونها هم از این فضل برخوردار بشن، فضل همش دست خداست و فضلش عظیم است. این خاتمه سوره.

وارد بحث روایتی بشیم، که بعدا سوره رو جمع بندی کنیم:

در کتاب احتجاج شیخ طوسی منسوب به شیخ طوسی، روایتی از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام هست: معنای "و انزلنا الحديد" انزال رو حضرت علی فرمودند: خلقت؛ این بحثی است که بارها و بارها علامه بهش عنایت داشته، با توجه به آیه ۲۱ سوره حجر "وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ" انزالهایی که مثل انزال حدید، انزال لباس، انزال انعام در سوره زخرف، اینها رو میگویند: خلقت، این رو بر اساس این روایت میفرمایند: میگویند معنای انزال براساس روایتی از حضرت علی، خلقت است. ما آهن رو خلق کردیم، نه اینکه آهن رو از آسمان فرستادیم به پایین.

در مجمع البیان از عبدالله بن مسعود، ابن مسعود، (ابن مسعود معمولا عبدالله بن مسعود هست در روایتها) روایت شده که گفته من در پشت رسول خدا سوار بر الاغ بودم، به من فرمود: ای ابن مسعود هیچ میدانی بنی اسرائیل مسئله رهبانیت رو از کجا بدعت کرده اند؟ ابن مسعود میگویند که شما بفرمائید. پیغمبر فرمودند: سلاطین جور بعد از حضرت عیسی بر آنان مسلط شدند، معصیتها رو رواج دادند، اهل ایمان به خشم اومدند با اونها جنگ کردند، شکست خوردند، سه بار این اتفاق افتاد؛ سه بار شکست خوردند و یه تعداد کمی از مؤمنین باقی ماندند، این بار برای اینکه بتونن خودشون رو حفظ جان بکنند و نابود نشوند، اومدند پراکنده شدند روی زمین، پخش شدند تا زنده بمانند و خداوند به آنان پیغمبری رو وعده داد به اون حواریون یا به اون اصحاب بعد از حضرت عیسی که در اثر سختی پراکنده شده بودند، (دقیقه ۱۰) پیغمبری رو بهشون وعده داد. اون پیغمبر کیه؟ حضرت پیغمبر

اسلام میفرمایند که منم، یعنی من اومدم به اون جمعهای پراکنده یه قوت و قدرتی بدم. اینها متفرق شده بودند ساکن غار شده بودند برای اینکه بتونند زنده بموندن رو آورده بودند به ساده زیستی، یعنی جای گرم و نرم نداشتند، غذای مناسب نداشتند، به خاطر اینکه بتونند روزگارشون رو بگذرونند و امیدوار بشن به یک پیغمبر آخر الزمانی، این شیوه زندگی رو انتخاب کردند. این هم فرمایش حضرت رسول. بعد فرمودند که آیا میدانی رهبانیت امت من چیست؟ رهبانیت امت من هجرت، جهاد، نماز، روزه، حج و عمره است. یعنی اگر مسلمونها هم مشکلی براشون پیش بیاد، شرایط بهشون سخت بشه باید هجرت بکنند، اولین رهبانیت، یا باید اگر قوت و قدرتش رو دارند از خودشون دفاع بکنند (بحث جهاد) و نماز و روزه خودش یک بعد از رهبانیت است یعنی رُهب رو در مقابل خداوند براشون میاره. نکته ای دیگری تو روایات نیست.

جمع بندی و تاکید بر واژگان کلیدی سوره: انفاق عزیز حکیم غفور رحیم فسق مستخلفین قرض ولوج عروج یان

چند تا جهت داره این سوره، علاوه بر واژه ها و ترجمه های پیوسته ای که داشتیم.

واژه های مهم سوره رو بگم: بحث نفقه رو در این سوره داشتیم، انواع و اقسام مشتقات نفقه رو گفتیم، صفاتی که برای خداوند در نظر گرفته شده بود رو گفتیم؛ عزیز حکیم، غفور رحیم، بحث فسق، کلماتی که بود، فوز و مستخلفین، قرض که دو سه بار آمده بود در سوره، ولوج "یولج الیل فی النهار"، عروج "یعرج"، "یان" از ریشه آنی؛ اینها واژه های مهم سوره هست.

جهت هدایتی سوره: مضامین توحیدی و تسبیحی ۶ آیه اول

و اما جهت هدایتی سوره که ما باید بتونیم اینها رو تشخیص بدیم؛ شش آیه اولش هم تسبیح داره، هم مشتمل بر توحید است، حرف از قدرت و علم مطلق میزند، جزئیات علم و قدرت خداوند رو بیان میکند، همون "يَعْلَمُ مَا يَلْجُ" رو کامل باز میکند. "هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ" رو میگه و خدمتتون عرض کنم که این سه تا جهت. پس در قسمت اول، در سیاق اول، یکی تسبیحه، یکی قدرته، یکی جزئیات علم و قدرت هست؛ این قسمت اول.

بحث انفاق همراه با ایمان

در قسمت دوم سوره چی داریم؟ بحث انفاق داریم همراه با ایمان هست؛ انفاق، انفاق جهادی هست. "لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ" احتمالا جنگ تبوک که ما تو این اثنا جنگ تبوک رو مفصل گفتیم براتون.

تکالیف مومنین و اهل کتاب

در قسمت سوم که بحث اهل کتاب رو میاره از آیه ۱۶ تا ۲۴ "لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ" تا آخر که بحث اهل کتاب رو میاره و یک توبیخی هست برای اهل کتاب و اهل اسلام مجموعا، یعنی شما مثل اهل کتاب نباشید. اهل کتاب چرا دلهاشون سنگ شد؟ چون بحث سوره، بحث انفاقه پس باید این موضوع رو در ارتباط قرار بدیم، اهل کتاب دلهاشون سنگ شد، چون انفاق نکردند. یعنی خود این، یک نکته به ما میده، که هر موقع جامعه ای از انفاق جهادی سرباز بزنه دلهای مجموع اون امت، حالا چه امت اهل کتاب، چه امت مسلمان دچار قساوت میشه.

(میگن احتمالا آیه قبل و بعد فتح مربوط به جنگ تبوک هست، نه این که شأن نزولش باشه. ما تو روایات پیدا نکردیم که این آیه شأن نزولش جنگ تبوک باشه. چون گفتیم سوره حدید اشاره به جنگ خاصی نمیکنه ولی انفاقش انفاق جهادی هست. یعنی کل جامعه رو در مورد کل جهادها و جنگ ها مورد خطاب قرار میده. ولی این آیه رو میگن احتمالا مربوط به جنگ تبوک هست. تبوک هم گفتیم جنگی اتفاق نیفتاد، پیغمبر با سی هزار نفر رفتند دیدند که رومیانی که خبر از لشکرکشی شون اومده بود، نبودند انگار جا خالی داده بودند و پیغمبر رفتند و برگشتند و یه هدر دادن وقت و انرژی بود برای پیغمبر. ولی باید این اتفاق می افتاد و باید این امتحان رو پس میدادند.)

قلب سخت رو، قلبی که دچار قساوت شده رو تشبیه کرد به زمین مرده و هم توبیخ کرد و هم تشویق کرد، اگر قلب های شما هم مانند اهل کتاب سنگ شده، نگران نباشید (این تشویق) که خدا زمین مرده رو زنده میکنه قلب های سخت شما رو هم نرم میکنه. یا میتونه توبیخ باشه، اگه شما قلبهاتون سنگ شده چیزی از خدا کم نمیشه، خدا شما رو میبره و گروه دیگری رو میاره "إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ" شما رو میبره بقیه رو میاره.

یا میتونیم از اون احیاء زمین مرده تو قسمت آیه ۱۶ تا ۲۴ می تونیم بحث معاد رو هم بگیریم چون معمولا زمین مرده ای که تو قرآن زنده میشه یک اشاره ای به معاد هم داره، همانطور که خدا زمین مرده رو توسط باران زنده میکنه مرده ها رو هم برای قیامت زنده خواهد کرد، معمولا زمین مرده و احیاء اون علاوه بر اینکه بحث طبیعته، بحث معاد هم توش یه اشاراتی داریم.

بعد بحث صدقه دهنده هاست چون سوره، سوره ای انفاق هست "إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ" و بعد میرسه به بحث صدیقین؛ بحث صدقه دهندگان چه زن چه مرد. اهل صدقه و انفاق که اینها در واقع زندگی آخرتی خودشون رو تامین و برای اون ذخیره می کنند.

و اما قسمت چهارم: تکالیفی رو میده هم نسبت به اهل کتاب که بحث توبیخ هست و هم نسبت به اهل اسلام، اینا تثاقل پیدا کردند "إِنَّا قَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ" دچار یک ثقل و سنگینی و یک تنبلی و کسالتی شدند، همین ها باعث میشه که ما اینجوری احتمال بدیم که سوره حدید اواخر حضور پیامبر در مدینه هست. یعنی مثلا حدودای سال نهم دهم هست چون یه اشاره ی تلویحی هم گفتیم به جنگ تبوک کرده، حدودای سال نهم، دهم هستش. پس اینها سنگین شدند؛ بعد از هشتاد تا جنگ حالا چه غزوه چه غیر غزوه، چه جنگهای درونی، چه با منافقان چه خارج از مدینه، هشتاد و یک الی دو جنگ داریم در این ده سال و چند ماه حضور پیغمبر در مدینه، دیگه خسته

شدند، اهل جهاد دیگه نیستند و برای جهاد هم دیگه خرج نمی کنند. و نمونه اش همون بحث شهادت حضرت پیغمبر که جلسه پیش مفصل عرض کردیم، که پیغمبر از یک ماه قبل از شهادتشون جیش اسامه رو می خواستند راه بیاندازند ، ناگهان مریض شدند، یعنی مریضی ناگهانی پیغمبر، خودش جای سؤال بود؛ خیلی سرحال بودند خارج از مدینه، داشتند مردم رو تشویق میکردند برای پیوستن به سپاه اسامه، (دقیقه ۲۰) یکدفعه تب کردند مسموم شدند و افتادند یعنی یکماه مانده به بحث رحلتشون، حالا دقیق تر این هستش که بگیم بحث شهادتشون. اینا برای جیش اسامه همراهی نکردن یعنی نود درصد اهل مدینه اصلاً شرکت نکردند برای جیش اسامه. هر کس یه بهانه ای آورد این نشان از ثاقل اهل مدینه دارد و این ثاقل یا همان عبارت معروف "اَنَاقَلْتُمْ اِلَى الْاَرْضِ" سوره توبه دقیقاً نشون میده که حتی ما بعد از پیغمبر در زمان ائمه هم همین مشکل را باهاشون داریم یعنی حضرت علی دیدن که از مدینه هیچ بخاری بلند نمیشه، رفتن سمت کوفه. دیگه اهل مدینه اهل جهاد نیستن، آماده کردن اینها برای جهاد خیلی سخته. ابوبکر لشکری رو که آماده کرد برای جنگ با مسیلمه و سجاح، تو اون جنگ که یمامه اسمش هست شکست مفتضحانه ای خوردند برای اینکه حدود ۷۰۰ الی ۹۰۰ تا حافظ قرآن رو ما از دست دادیم در جنگ یمامه. اصلاً دیگه نتونستن جنگ رو اینها مدیریت بکنن، ما دیگه مردم مدینه جهادی نداریم.

تکرار و تاکید عبارت "وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ"

یک بحث خیلی مهم دیگه ای هم هست که سه بار "وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ" توی این سوره آورده. یکی آیه ۱۶ یکی آیه ۲۶ و یکی هم آیه ۲۷، که هم اهل کتاب و هم مسلمانان دچار یک حالتی شدند به نام فسق. که ما فسق رو بارها و بارها معنی کردیم گفتیم فسق چیه؟ خروج هسته خرما از اون پوسته نازکش رو میگیریم فسق. بنده ای که از اون ذی بندگی خودش خارج بشه از اون پوسته اطاعت خودش خارج بشه بهش میگیریم فاسق شده. پس هم این فاسق رو در جامعه مسلمان ها داریم، کسانی که ظاهراً ایمان آوردن، اسلام آوردن، اعتقاد دارند، اما یه جاهایی بندگی نمی کنند یه جاهایی از اون مسیر بندگی خارج می شوند انحراف پیدا می کنند و هم در مورد اهل کتاب داریم و در سوره حدید با توجه به غرض این سوره این فسق مربوط به چه موردی هست؛ شما بگید؟ اتفاق یعنی در مورد انفاق جهادی؛ چون حرف گوش نکردن چون بندگی نکردن سه بار میگه "وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ" و میتونه این بحث فسق مربوط باشه به بحث حدید "وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ" بحث میزان و حدید، چون که ما یک ابزاری رو لازم داریم برای بحث قسط و عدل در جامعه، اگر حتی میزان را بر مبنای دین بگیریم یا میزان را به معنای ترازو بگیریم جامعه عدل و قسط رو برای خودش می پذیره، جا باز می کنه برای قسط و عدل؛ و کسی که این قسط و عدل رو رعایت نکنه می شود فاسق یعنی باز فسق رو ما میتونیم از این جنبه هم بهش نگاه بکنیم. سه بار که میگه "وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ" هم بحث قسط و عدل هست هم بحث انفاق. یعنی ما سوره رو میتونیم از چند جهت بهش نگاه کنیم. کسی که انفاق را ترک بکنه ایمان به رسول نداره، کسی که قسط و عدل رو ترک بکنه ایمان به رسول نداره.

نهادینه کردن و فرهنگ سازی بحث قسط و عدل در جامعه اسلامی

اما قسمت آخر سوره میاد اون فرهنگ انفاق رو و شرکت در جهاد رو و بحث قسط و عدلی که توی سیاق های قبلی بود رو میاد نهادینه میکنه یعنی میخواد یک نوع فرهنگ سازی اینجا رقم بخوره برای جامعه اسلامی. هرچی که تا الان گفتیم از اول سوره با توحید شروع کردیم بعد بحث انفاق رو بررسی کردیم و انواع و اقسام انفاق ها رو هم در سوره داریم چه بحث صدقه، چه بحث انفاق جهادی، قسط و عدل، حدید، همه اینها رو ما میخوایم که توی یکی جامعه انقدر نفوذ عمیق داشته باشه که به عنوان یک فرهنگ این رو بپذیرند، نهادینه بشه. هدف انبیا جهاد و قسط و عدل هست.

آیات شاخص سوره: آیه ۲۵ - آیه ۱۶ و ۲۸

فرق آیه غرر و آیه شاخص (آیه ۲۵ آیه غرر سوره)

با این عرایض بنده به نظر شما آیه شاخص سوره کدوم هست؟ میتونه دو سه تا باشه میتونه تک باشه. (آیه ۱۶ و آیه ۲۵ و آیه ۲۸ آیه های شاخص این سوره هستند.) آیه آخر جمع بندی هست.

فرق آیه غرر و آیه شاخص چیه؟ آیه غرر میتونیم از بین آیه های شاخص انتخاب کنیم. آیه غرر یعنی چی؟ غره یعنی چی؟ یعنی پیشانی سفید.

به حضرت علی چی میگیم: **قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ**، رهبر پیشانی سفیدان جهان، یکی از القاب حضرت علی هست. پیشانی سفید این سوره کدوم میتونه باشه؟ الان ۱۶ و ۲۵ و ۲۸ آیات شاخص این سوره هستند. آیه غررش چیه؟ آیه غرر معمولا از بین شاخص ها انتخاب می کنند. آیه غررش که پیشانی سفید هست آیه ۲۵ هستش. ما باید بتونیم آیات شاخص و آیه غرر از توی سوره در بیاریم.

آیات شاخص یعنی حرف مشخصی میزنه یعنی شما میتونید جهت های مختلف سوره رو تو اون دو سه تا آیه جا بدید. آیه غرر یعنی خیلی لامپش پر نوره خیلی تو چشم هست اینو باید بتونید پیدا کنید.

توی سوره های مثلا دو سه صفحه ای چهار صفحه ای خیلی راحت تر میشه پیدا کرد. ولی تو سوره های بلند مانند بقره، آل عمران خیلی سخته این کار. شما هر حزب، هر مبحث باید بیای آیه غرر رو پیدا بکنی آیه شاخص پیدا بکنی. چون کل سوره بقره رو واقعا نمیشه که بطور هماهنگ آیه غرر و آیه شاخصش رو پیدا بکنی مثلا باید هر بحث رو مثلا بحث بنی اسرائیلش یه آیه غرر داره، بحث احکامش، بحث طلاقش، انواع و اقسام این بحث ها رو میتونیم بررسی کنیم توی اون بخش. اما سوره هایی که سه چهار صفحه ای هستش مثل اینجا، حالا یک خرده اینور اونور به راحتی ما میتونیم آیات غرر و شاخص رو در بیاریم.

سوال: انزال حدید با انزال رسول چرا همزمان هست؟ بحث کمک و یاری کردن انبیا، نصرت انبیا با آهن هست، سلاح میخوایم دیگه، دست خالی که نمیتونیم انبیا رو توی جهاد یاریشون بدیم.

مهمترین ریشه واژگان سوره : نفق فسق خشع قسو نور لعب لهو

سوال: ریشه ها رو بگین؟ به نظر شما از مهمترین ریشه های این سوره چه ریشه ای هست؟ (دقیقه ۳۰) "الْمَ يَانَ" آن هست، لحظه‌ی جهاد فرا نرسیده؟ لحظه انفاق فرا نرسیده؟ انفاق(نفق)، قساوت قلب، خشوع قلب. کلاً قلب هست که یکبار باید دچار قساوت میشه یکبار هم دچار خشوع. یعنی یک خشع . قسو. فسق، نور چون چند بار از نور صحبت کرده نور مومنین که منافقین دنبال هستن که از آنها بگیرند. لعب و لهو "أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ".

سوال: عرب ها زمان جاهلیت قبل از پیامبر هر روز کارشون جنگیدن و غارت کردن بوده، چطور شد که اینها راحت طلب شدند و حاضر نبودند بجنگند؟ قبل از پیغمبر اینها ۴۰ سال با هم جنگیدن تو مدینه، عادت داشتند، سیره شون بود که برای اینکه بتونن به یه چیزی دست پیدا بکنند و از طریق جنگ به اون برسن، از طریق قتل و غارت. فرهنگ جنگ اونها با فرهنگی که پیغمبر توی اسلام پیاده کرد خیلی متفاوت. اونها غارت رو بیشتر دوست داشتند بحث غنیمت بود. اما تو اسلام این اصل رو پیغمبر اصلاحش کرد اگر هم غنیمتی بود پیغمبر می گرفت، میداد به فقرا. عملاً چیزی به کسی نمیرسید مشکل سر غنیمت هست. جنگ زمان پیغمبر با جنگ قبل پیغمبر متفاوت هست. اینها به راحتی آدم می‌کشتند که مالش رو به دست بیارن، غنیمت خیلی براشون مهمه. اما در زمان پیغمبر درسته بحث غنیمت رو داشتیم اما کاملاً اصلاح شد درست شد الهی شد، غنیمت رو باید میگرفتن میدادن به فقرا یا بحث ذی القربی که پیش اومد حسادت پیش اومد یه بخشی از غنائم برای ذی القربی هست.

تو سوره بعدی هم داریم دعوا سر ذی القربی هست. که چرا غنیمت باید برسه به ذی القربی پیغمبر. یک بار یا دوبار بیشتر اتفاق نیفتاد ولی باعث حسادت خیلی ها شد. که چرا پیغمبر غنیمت این جنگ رو البته جنگ نبود، فی بود، غنائم بدون جنگ میرسید به ذی القربی. سوره حشر یک سری غنائمی داره که بحث بنی نضیر هست چون فقط رفتن پشت در قلعه موندن موندن موندن حالا میریم میگی بنی نضیر رو یکبار مفصل، گفتم حالا تو سوره حشر هم بهش خواهیم پرداخت. انقدر موندند تا اونها تسلیم شدند. هیچ شمشیری زده نشد، هیچ اسبی تاخته نشد، عین آیه هست. میگه اصلاً شما هیچ کاری برای جنگ نکردید، زحمتی برای این غنیمت نکشیدید. الان از این قلعه هر چی غنیمت برسه برای ۶ گروه هست. توی سوره حشر میگه. برای فقرا و مساکین و یتیم و ابن سبیل و ذی القربی هست.

اینها مشکلشون این بود چون دنبال غنیمت بی دردسر و خیلی راحت و عافیت طلبی بودند. وقتی شیوه جنگ‌ها عوض شد این ها هم تناقل پیدا کردند یعنی چسبیدند روی زمین. هر دفعه یک بهانه‌ای گرفتند هی میومدن اجازه می‌گرفتند که ما بریم دفعه بعد بیایم، این دفعه ما مریض هستیم، این دفعه خانواده داریم، این دفعه مشکل داریم، سلاح نداریم، اسب نداریم یعنی هر دفعه یک بهانه‌ای برای اینکه جهاد نرن داشتند. پس بحث غنیمت خیلی مهم هست.

ما در یہ جلسہ‌ای دیگر، کہ دو ماہہ سورہ حدید ہستیم ، ہر شب اعضای گروہ سورہ حدید را می‌خوند و یہ انسی با این سورہ گرفتند. روایت ہاش ہم خیلی جالبہ چون حدید دارہ ہر کی سورہ حدید بخونہ خونہ و زندگیش محکم میشہ. یا از زلزلہ در امان میمونہ. روایت ہست. چون بحث نفقہ و انفاق دارہ. از نفاق دور میشہ کسی کہ سورہ حدید رو مداومت داشتہ باشہ. چون شش آیہ اولش بحث توحید ہست خیلی خالص است ہم توحیدش قوی میشہ ہم از سحر و طلسم بہ دور است. توصیه علمای بزرگ این ہست کسانی کہ میخوان از ہرگونہ شر و شرارت و شیطنت، شیطنت بہ معنای واقعی دور باشند شش آیہ اول سورہ حدید را مداومت داشتہ باشند چون بحث فسق توش ہست بہ ما تمرین بندگی میدہ یعنی ہر جنبہ‌ای از این مؤانست و انس با این سورہ رو در نظر داشتہ باشید خیلی عایدی دارید. سر یک ساعت مشخص ہمہ‌شون میخونن. خیلی اثرات خوبی دارہ. حالا من پیشنهاد این است کہ، دیر بہتون پیشنهاد دادم ولی حدود یک ہفتہ یا دو ہفتہ یک مؤانستی داشتہ باشید یا حداقل این قاعدہ رو بیاریم روی سورہ حشر. چون سورہ حشر ہم پر از برکت ہست مخصوصا اون قسمت انتہایی آیات اسماء اللہ ہست و خودش پر از برکت ہست.

سوال: آیہ ۱۴ رو یک بار دیگر ہفرمایید.

"يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ" (۱۴) "منافقینی کہ در دنیا داخل صفوف مومنین بودند و سر یک سفرہ بودن بہ قول معروف و در یک اجتماع بودند، در آخرت در قیامت در اون صحنہ میگن کہ مگہ ما با شما نبودیم ما رو ہم راہ بدید یا بہ ما نور بدید. مومنین میگن کہ شما "فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ" اینجا فتن بہ معنای فریب دادن است؛ شما خودتون رو گول زدید فریب دادید. "وَتَرَبَّصْتُمْ" ربص یعنی بہ انتظار نشستن؛ منتظر موندید کہ یک بلایی سر مسلمانها بیاد. "وَارْتَبْتُمْ" دچار ریب شدید، شک. "وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ" آرزوهای دراز شما رو مغرور کرد، فریفت. "حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ" امر اینجا یعنی مرگ؛ تا اینکه مرگتون رسید و اومدید اینور. "وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ" غرور یعنی شیطان؛ شیطان شما را فریفت در مقابل وعدہ های الہی.

ان شاللہ جلسہ آیندہ احتمالا ۲۸ شہریور ہست. سورہ حشر را شروع خواهیم کرد. برای محکم شدن بنای خانہ سورہ حدید رو بخونید. (دقیقہ ۳۸)

وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ